

متن پرسش

باسلام و احترام. برخی معتقدند بکار بردن اصل مفهوم تمدن سازی با حکمت متعالیه نمیسازد و نوعی غرب زدگی است. آقای عبدالکریمی اخیرا در پاسخ به آقای دهقان بر آن صحه گذارده اند. با عنایت به نکات شما در کتاب سلوک که یک بال تمدن سازی را حکمت متعالیه میدانید این مساله را توضیح دهید. سپاسگزارم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده در همان کتاب سلوک از حضرت امام به‌عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی شاهد آوردم که حضرت امام در جواب «حسنین هیکل» یکی از عواملی که مبنای حرکت‌شان را تشکیل می‌دهد فلسفه‌ی ملاصدرا یا حکمت متعالیه معرفی کردند. از طرفی اگر بخواهیم تمدن اسلامی داشته باشیم آن تمدن نیاز به یک تفکر و برداشت منسجم از اسلام دارد که چون خونی در همه‌ی ابعاد آن تمدن جاری باشد که به اصطلاح آن تفکر را فلسفه‌ای می‌دانند که آن تمدن براساس آن بنا می‌شود و عالم و آدم را در آن تمدن معنا می‌کند تا آن تمدن مبتنی بر آن خود را معنا کند و جلو برود، همان‌طور که تمدن غربی بر مبنای اومانیزم خود را معنا می‌کند و به زعم خود جلو می‌رود و این چیزی نیست که مربوط به غرب باشد بلکه یک موضوع عقلی است که همیشه این‌طور بوده حتی امویان و عباسیان برای خود برداشتی از اسلام داشتند که ترکیبی از اسلام و جاهلیت و یک نحوه یونان‌زدگی بود و بر آن مبنا تمدنی ناقص برای خود شکل دادند و لذا اگر شیعه بخواهد به عنوان یک تمدن به میان آید در کنار فقه شیعی باید تفسیری فلسفی از عالم و آدم به میدان آورد که بنده فکر می‌کنم خداوند حکمت متعالیه را جهت این منظور بر ملاصدرا اشراق کرده است تا عقل‌ها در فضای فرهنگ اهل‌البیت «علیهم‌السلام» آنچنان پرورش بیابد که بتوانند برای خود و دیگران حرف داشته باشند. موفق باشید